

از سراب تا سرچشمه

مؤلف:

موسی آقابای

چاپ اول

انتشارات ادیب قزوین

- سرشناسه : آقایاری، موسی، ۱۳۶۴ -
- عنوان و نام پدیدآور : از سراب تا سرچشمه / مولف موسی آقایاری.
- مشخصات نشر : قزوین: ادیب قزوین، ۱۳۹۵.
- مشخصات ظاهری : ۱۸۰ ص.
- شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۲۲-۳۳-۷
- وضع فهرست نویسی : فیا
- رداش : کتابنامه: ص. ۱۷۹ - ۱۸۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
- موضوع : عقل و ایمان (اسلام)
- موضوع : اندیشه و تفکر -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۵ FBP۲۱۶/۱۵/۲
- رده بندی دیویی : ۱۹۷/۲
- شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۷۶۷۰



از سراب تا سرچشمه

پدید آور: موسی آقایاری
 ناشر: انتشارات ادیب قزوین
 نوبت چاپ: چاپ اول - بهار ۱۳۹۵
 شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
 لیتوگرافی و چاپ: موسسه چاپ فاضل قم
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۲۲-۳۳-۷
 قیمت: ۹۰۰۰ تومان
 کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

مرکز بخش: قزوین - خیابان پادگان - میدان عارف
 ضلع شمالی پارک ملت - تلفن: ۰۲۸-۳۳۴۶۵۸۸۵-۳۳۲۳۵۰۵۰

حجت الاسلام و المسلمین آقای موسی آقایی فرزند قربانعلی در سال ۱۳۶۴ هـ. ش در قریه خالق آباد از توابع شهرستان خدابنده متولد گردید، دوران دبابت و کودکی را در همان قریه خالق آباد و در محل ساکت و خوش آب و هوای روستا به خوبی و خوشی سپری نمود. به لحاظ سختی معیشت و عدم امکانات لازم در روستا اجباراً به شهر قزوین مهاجرت نموده و در شهرستان قزوین ساکن شدند. دوران دبیرستان را در قزوین پایان رسانیده و چون خود جوانی به تحصیل و فعالیت بوده و از طرفی در خانواده ای مذهبی و متدین رشد نموده و تحت تأثیر پدری خوش فکر و با ایمان قرار گرفته و خود نیز طالب علم معنوی بوده و از حوزه علمیه شهر تاکستان شدند. نظر به اینکه صیت شهرت و معنویت آیت الله حاج سید حسن موسوی شالی (ره) بگوش ایشان رسیده به هر سختی که بود در حوزه علمیه شهید مصطفی خمینی تاکستان وارد شد. از محضر آیت الله موسوی شالی (ره) استفاده فراوان نموده، درس سطح را در خدمت حاج آقا شالی به پایان رسانیده است. تعلیمات حاج آقا موسوی شالی و صفای باطن و معنویت جذاب نامبرده باعث گردیده که آقای آقایی شیفته ی معنویت و

تعلیمات الهی اهل البیت قرار گرفته و دروس حوزوی را دنبال کرده ، عازم شهر مقدس قم گردید و در محضر اساتید بزرگ حوزه علمیه شهر قم زانوی ادب بر زمین زد. در این حوزه علمیه مبارکه از محضر اساتیدی همچون آیت الله دکتر سید محمد حسینی قزوینی استفاده کرده و مدت ۴ سالی در کلاس درس بزرگانی مانند جناب سید محمد واعظ موسوی و محسن فقیهی استاد حیدری فسایی که از اساتید برجسته حوزه علمیه قم می باشند استفاد هال وافر و شایانی برده و بهره مند گردیده و دروس حوزوی خود را تکمیل نموده است. بعد از آن مدت ۲ سال نیز جهت گذراندن دروس خارج از حوزو از محضر استاد توانا و دانشمند آگاه حضرت آیت الله سید حسن سعیدی، فرزند شهید آیت الله سعیدی (ره) استفاده کرده است.

عشق و علاقه قلبی و تربیت خانوادگی، بالاخره آقای اقایان را که طالب علم بوده و عشق به تعلیم و تعلم در وجود ایشان ریشه دوانده ، علاقه به ائمه اطهار و مشی علمای سلف و پاک نهاد باعث شد که عالم روحانیت و پیروی از علماء پاک نهاد را در زندگی سرمشق خود قرارداده از حوزه ی علمیه خارج نگردد. بطوریکه اکنون مدت چند سالی است که در مدرسه علوی هیدج از توابع استان زنجان مشغول تدریس دروس حوزوی به طلاب

علوم دینی می باشند که امید است در این راه موفق بوده جوانان طالب علم را هدایت کرده و در تربیت جوانان این مرز و بوم همواره موفق باشند.

این دفتر دومین اثر قلمی آقای آقایاری است. قبلاً ایشان کتابی با عنوان «واکاوی نور عقل در اسلام» تالیف نموده و به چاپ رسانیده که مورد استقبال - معه دانشگاهی و علماء واقع گردیده است. امیداست که همواره قلم و بیان ایشان در خدمت اسلام بوده و در تعالی فکر جوانان این مرز و بوم کوشا باشند. ان شاء الله

انتشارات ادیب قزوین

فهرست:

۱۳	مقدمه
۱۸	ضرورت دین پژوهی
۲۱	امیت ربیبین مسئله
۲۷	بخش اول: فآیند سزازه های اعتقادی
۲۸	نقش اندیشه و ادراک
۳۳	راه تحصیل اندیشه پویا
۳۵	جواز سؤال از اعتقادات
۳۹	چارچوب اندیشه درست قرآنی
۴۲	سازندگی یقین
۴۶	راه و هدایت
۵۰	معرفت سرچشمه است
۵۳	قرآن و دلیل عقلی بر توحید
۵۵	اعتقاد سراب گونه
۵۷	کافران در پی سراب
۶۳	سراب و جهنم
۶۶	سرچشمه و بهشت
۷۰	امتداد زندگی دنیوی در آخرت
۷۳	اسلام سرچشمه است

۷۷	طرح ریزی روان انسان در عملکردش
۸۱	ایمان یا عدم ایمان
۸۴	ایمان سرچشمه است
۸۸	باورهای سازنده
۹۱	استحکام قانون در اسلام
۹۳	همه‌نگاری فطرت با سرچشمه الهی
۹۵	دعوت معصومین علیه السلام به توحید
۹۹	در تالو ولایت
۱۰۱	غدير خم سرچشمه است
۱۰۵	اتحاد و سرچشمه
۱۰۷	نقش حس در رسیدن به سرچشمه
۱۱۱	بخش دوم: فرآیند سازه های اخلاقی
۱۱۲	اخلاق جوهر انسان است
۱۱۳	استحکام عمل با تفکر است
۱۲۰	تساوی درون و برون انسان
۱۲۲	خویش‌شناسی
۱۲۶	هدف دار بودن زندگی انسان
۱۲۸	چرایی طلاق
۱۳۱	تبعیت اخلاق از اعتقاد

۱۳۳.....	روند تجربه در اخلاق
۱۳۶.....	دروغگو مثل سراب است
۱۴۰.....	نقش باور در اعتلای انسان
۱۴۲.....	کیهان اخلاقی انبیاء
۱۴۵.....	کمال عقل و عاقبت نگری
۱۴۹.....	بخش سوم: سرابها: پوستن به سراب ها
۱۵۲.....	۱- نبود معرفت به خدا
۱۵۲.....	۲- خود فراموشی
۱۵۴.....	۳- تسلط شیطان
۱۵۵.....	۴- غفلت
۱۵۸.....	روشهای غفلت زدایی
۱۵۸.....	اول: تشویق به داشتن بینش عمیق
۱۶۰.....	دوم: دعوت به تدبیر در آیات قرآن
۱۶۴.....	سوم: دعوت به تعقل و تفکر
۱۶۷.....	چهارم: توجه به هشدارهای رسول الله (ص)
۱۶۹.....	پنجم: یاد کردن قیامت
۱۷۲.....	ششم: فراگیری داستانهای انبیای الهی
۱۷۶.....	نتیجه گیری
۱۷۹.....	منابع و مآخذ

می‌دانیم که از میان مخلوقات تنها انسان هست که بدلیل داشتن نیروی پر توان عقل و توانایی کسب علم و دانش و معرفت اشرف و افضل آنها شمرده شده و خدای متعال او را با عظمت خاصی و با تکریم ویژه‌ای در قرآن کریم ستوده است؛ آنجا که می‌فرماید: **وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَخَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا** ^۱ و فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم، و آنان را بر مرکبهای آبی و صحرائی سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزیشان کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتریشان دادیم، آنهم چه برتری؟ از جمله او را لایق رسیدن به مقام خلیفه الهی دانسته و رسیدن به لقای خودش معرفی کرده و فرموده: **إِنِّي نَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً** ^۲ قطعاً من او را در روی زمین جانشین قرار می‌دهم و اینکه تنها انسان هست که می‌تواند خدا را با معرفت و عقلانیت خاصی توأم سازد و تدقّق ویژه‌ای عبادت و اطاعت کند یعنی با داشتن رقیب و مخالف عبادت در درون خویش که شهوت و هوای نفس باشد با این حال مشغول عبادت و عبادت او بشود. انسان حامل مقامات و کراماتی است که هیچ موجود زنده و مخلوق دیگر الهی آنها را ندارد؛ او می‌تواند و لیاقت این را دارد که با

۱ - سوره اسراء آیه ۷۰

۲ - سوره بقره آیه ۳۰

استفاده از تفکر و تأمل خویش توأم با سر سپردن به معارف وحیانی و آسمانی؛ معرفت و بصیرت در خود ایجاد کند و بواسطه آن خود را به درجات عالی از کرامتها و خودشناسی ها برساند.

در میان انسانها غالبا اعطای یک فضیلت و برتری بر اساس کار آزموده‌گی و پختگی خاصی است و همه چیز را به همه کس در یک زمان نمی‌دهند بلکه باید پله های ترقی و رفعت را با تلاش و جدیت پیمود تا آن ظرفیت و لیاقت را برای پذیرش مقام ها در خود ایجاد و به فعلیت رساند. لذا در آیه فوق بعد از اینکه خدای متعال جریان خلقت و مقام انسان را تشریح می کند؛ فرشتگان در مقابل اعتراض کرده و می گویند: آیا می خواهی کسی را که خرد و خردی و خونریزی به راه می اندازد خلق کنی؟ اما خدای متعال در جواب آنها می فرماید؛ من عالم به یکسری چیزها در او هستم که شما از این بی خبرید؛ یعنی خداوند جنبه مثبت و صعود انسان را لحاظ کرد که اگر قدر خود را بداند و به وظایف خویش متعهد و پایبند باشد می تواند قلیل سعادت را طی کرده و بر اساس ظرفیت و لیاقت به مقام عظیم و سترگ خلیفه الهی برسد که کار خدایی در روی زمین انجام دهد.

در طلوع معرفت و شناخت هست که انسان به مقامات و درجات فوق العاده دنیوی و اخروی می رسد؛ در دنیا عزیز و حکیم و انسان کامل شده و در آخرت نیز به مقام رضوان برین الهی و همراهی انبیاء و اولیای الهی خصوصا رسول الله صلی الله علیه و آله قرار می گیرد. لذا تا انسان از

شناخت و معرفت برخوردار نباشد و از آنها در مسیر درست و صواب استفاده نکند هیچ وقت لایق هیچ مقام و ارزشی هم نخواهد شد؛ زیرا مقام و درجه توخالی و بی خبر از همه چیز به اینکه چیزی بار انسان نباشد ولی مقام ارجمند و پرارزشی را در جامعه داشته باشد نزد عقلا مطرود و قبیح است؛ مثل اینکه شخصی نه از تخصص و تعهد ویژه‌ای برخوردار و نه توان فرا گرفتن آنها را داشته باشد ولی ناگهان مدیر ارشد و همه کار یک سازمان و ارگانی منصوب شود؛ قابل قبول نیست و از نگاه عقل سلیم بی‌سواد و ناصواب است. این مدیریت که یک مقام دنیوی برای انسان است می‌تواند که ذات کارآگاه و متخصص در امور و مستجمع جمیع ملزومات مدیریت آن بخش را حامل و دارا باشد تا بعد بدان منصوب و گماشته شود و بر نه کار بی‌خبرانه و قبیح نزد عقلا و مطرود پیش شارع و مولای حکیم خواهد بود.

اگر بخواهد یک مقام دنیوی موفق و سرشار از آب درآید باید از دو ویژگی بارز تخصص و تعهد برخوردار بوده باشد؛ در این صورت است که او توان هدایت مردم بسوی سعادت و خوشبختی را هدایت با ارائه بینش و فکر درست خواهد داشت؛ به این شکل که تخصص امر هادی به تضمین سعادت و رفاه زندگی مردم منجر خواهد شد و عهدش هم راهنمای تقوا و ترس از خدای متعال را در خلوت و جلوت و اطاعت کامل از او خواهد داشت.

رسالت انبیای الهی بر مبنای ایجاد این دو عنصر در میان بشریت بود؛ زیرا انبیاء از برای هدایت و به راه آوردن مردم از همه قید و بندهای دنیوی و تعلقات آن و رها کردن بشر از دامهای شیطانی و هوای نفس مبعوث شده بودند. و در حیطه تبلیغی و ارشادی خود هم علم کامل الهی را همراه با رضی و تبیین به مردم رسانده و هم تصفیه روحی و اخلاقی می کردند. به عبارت دیگر کرد کلی رسالت انبیاء ارائه بینش معرفتی و شناختی در جهت ترک باورهای و اعتقادات و تهذیب اخلاقی مردم بود؛ آنها آیات الهی را بر مردم نتواند و وجدان و فطرت آنها را برای رسیدن به سرچشمه خدای تعالی سعادۃ ابدی بیدار می کردند. آنها می خواستند مردم در خراب گشت و نادانی که بر اثر تبعیت از هوای نفس و شیاطین دامگیرشان شده بود؛ غی نمانند بلکه با پیروی محض و توأم با اخلاص از وحی الهی و معارف بینی خود را از سراپها و ناوجودیها اعتقادی و اخلاقی دور کرده و بر اساس عقاید و اتخاذ بینش درست و فهم مطابق با واقع در جاده مستقیم هدایت بسوی سرچشمه الهی حرکت کنند.

نوشتار پیش رو در نوع خودش نگاهی نو و بدیع به بدی از سراپها و سرچشمه ها در زمینه مسائل اخلاقی و اعتقادی انسانها عموماً و مسلمانها خصوصاً هست که با تشریح و توضیح آنها بر اساس برداشت های خود توأم با دقت معرفتی و نازک بینی خویش با توجه به معیارهای قرآنی و روایی است؛ در پایان از سویدای دل خدای متعال را به جهت تنظیم و

تدوین این نوشتار سپاس بی انتهای گفته و استمرار توفیقاتش را به حرمت امام زمان عج الله خواستارم؛ باشد که این اثر به شرف قبول افتاده و موجب ذخیره کوچک برای عقبای ما و انگیزه نیکو و سالم در جهت تحقیقات بیشتر برای محققین مبتدی قرار گیرد. لازم به ذکر است که عنوان این نوشتار از سوی یکی از اساتید بزرگوار مطرح شده بود که برای بندد نیز ایجاد انگیزه و رغبت دو چندان در تألیف این اثر البته بدون راهنمایی و استفاده از مطالب ایشان در محتوا گردید.

مطمئناً ارائه نظرات و انتقادات سازنده و صائب مطالعه کنندگان محترم و علاقه مندان به مباحث دینی از طریق پل ارتباطی زیر موجب غنای بیشتر مباحث از این به بعد خواهد شد.

musaaghayari@gmail.com

ضرورت دین پژوهی

مقوله دین پژوهی و استخراج مفاهیم گسترده از آموزه ها و اصول کلی دین مبین اسلام، در دنیای امروز جزء مهمترین دغدغه ها و چالش های جدی اندیشمندان اسلامی شده است، زیرا با هجوم تبلیغات سوء و گسترده رسانه های اسلام و ایجاد زمینه های انحراف فکری و فرهنگی و عقیدتی در بین مردم، دغدغه های متفکرین اسلامی را روز به روز افزایش داده و در صدد ارائه فکر و روش نو و استنباطی از اصول کلی دین برای کار بستن در زندگی فردی و اجتماعی امروزی هستند. اگر اندیشمندان با قلم و علمشان و با آلی های معرفتی شان، مردم را سوق به سرچشمه های الهی و حقایق ناب اسلامی نکنند؛ خدا ناباوران و اربابان غیر دین، با وسوسه رنگین و تبلیغات شیطانی، سرباها را سرچشمه نشان داده و به تعبیر قرآن کریم با تزیین و صداای شیطانی خودشان، مردم را تابع هواهای نفسانی و ضلالت خواهند کرد.

به تعبیری اندیشمندان اسلامی در این برهه از زمان با روجه به رسالت و رتبت علمی و فکری شان در جهت ساختمان معرفت بشری و تکامل بخشیدن به چیدمان آن، نقش خطیری در قبال ارائه قوانین ناب اسلام و معارف آن به جوامع انسانی و اسلامی دارند، زیرا یک لحظه نسیان و فراموشی و غفلت در برابر دشمنان اسلام و تبلیغات زهر آگین آنها، مساوی با آلوده شدن آبی افکار و عقاید اقشار مختلف و دور شدن از

حقایق و سر چشمه هاست؛ مخصوصا جوانان که حس کنجکاو و درک حقایق در آنها این زمینه را راحت تر کرده و در صورت عدم تغذیه فکری و معنوی، به منجلاب گمراهی و ضلالت و انحطاط اخلاقی و اعتقادی کشانده خواهند شد، در نتیجه روز به روز دنبال سراب و خرافات رفته و قربانی آنها خواهند گردید.

در این میان بیشتن قربانیان و تسلیم شدگان، جوانان مورد هدف و تیرس خواهند بود. حضرت علی علیه السلام درباره استعداد و قابلیت جوان برای پذیرش و باردهی می فرمایند: **إِنَّمَا قَلْبُ الْاَلَدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ وَ قَبِلَتْهُ** (قطعه قلب جوان مثل زمین شخم زده شده آماده برای کاشت و حرث است و هر چه که در آن کاشته و زراعت شود قبول می کند).

طبق فرمایش حضرت، قلب جوان آماده کامل برای تزریق فکر و ایده را دارد که هر چه به او گفته و تدریس شود بپذیرفت و قبول می کند زیرا ذهن جوان محبوس و محصور نیست، بر خلاف اشخاص غیر جوان که نکول و سرپیچی بیشتر از قبول و دریافت در آنهاست.